تحلیلی تاریخی از

موسیقی اسپانیا

۴ - قرن هجدهم

در سال ۱۷۰۱ واقعه مهمی در زندگی سیاسی اسپانیا رخ داد و آن منقرض‌شدن سلسله‌ی سلطنتی اطریش و روی کار آمدن سلسلهٔ فرانسوی بوربون میباشد. اولین پادشاه این خاندان فیلیپ پنجم بود که از نوادهٔ لوئی چهاردهم محسوب میشد. دراین جریان شاهزاده شارل اطریشی که مدعی تخت و تاج اسپانیا بود سلسله جنگهائی را آغاز کرد که چهارده سال بطول انجامید و بالاخره منتهی به پیروزی قاطع بوربون‌ها گردید.

در این گیرودار موسیقی خارجی بخصوص ایتالیائی از هرسو بداخل اسپانیا نفوذ میکرد و نه فقط کلیسا بلکه مردم عادی‌را نیز تحت‌تأثیرخود قرار میداد. اولین پادشاه این دودمان و جانشین وی فردیناند ششم عاشق اپرا وموسیقی مجلسی بودند و همسر فردیناند که پرتقالی ودرلیسبون شاگرد دومینکو اسکارلاتی آهنگساز بزرگ ایتالیائی بود، اورا به مادرید آورد و تا پایان عمر درخدمت خود نگاه داشت. لذا در این دوره موسیقی مجلسی

واپرا به پیشرفت شایانی نائل آمد. اما پادشاه بعدی ـ شارل سوم ـ نسبت به موسیقی بیگانه بود و چون به ادبیات علاقه داشت در زمان سلطنت او ادبیات فرانسوی تأثیر فراوانی درادبیات اسپانیولی بجای گذارد. آخرین پادشاه این قرن ـ شارل‌چهارم ـ علاقه‌ی خاصی به موسیقی مجلسی داشت و باعث پیشرفت آن‌شد، چه که خود نیز دردسته‌های موسیقی مجلسی نوازندگی میکرد.

تأثیر این سلیقه‌ها و عقاید در کتابخانه‌های مهم مادرید بخوبی دیده میشود. در کتابخانه‌ی سلطنتی مادرید تعداد زیادی دستخط اپرا ازاین‌قرن وجوددارد؛ در کتابخانه‌ی ملی‌مادرید تعداد معتنابهی موسیقی آوازی(آریا ـ دوئت ـ کانتات) و تعداد زیادی آثار آوازی که تحت تأثیر موسیقی فرانسوی تصنیف شده است دیده میشود.

در نیمه اول قرن هجدهم موسیقی سازی هنوز حالت جنینی خود را حفظ کرده بود. ویولن وسایر سازهای زهی در این دوره بکندی پیشرفت کردند اما از نیمه دوم این قرن به بعد موسیقی سازی و موسیقی مجلسی پیشرفت خودرا آغاز نمودند و محافل اشرافی مادرید با عشق و علاقه زیاد درترویج آن کوشیدند. دوویولن‌سلیست و آهنگساز بزرگ دراین‌زمان از میهن خود ایتالیا به مادرید وارد شده ومدت زیادی درآنجا اقامت کردند. یکی ازآنها «گائتانوبرونتی»[1] درمادرید درگذشت ودیگری «لوئیجی ـ بوکرینی[2]» تا سال ۱۸۰۵ درمادرید باقی ماند. این دوموسیقیدان کمك زیادی به پیشرفت موسیقی سازی دراسپانیا نمودند.

همانطور که قبلا دیدیم از اواخر قرن شانزدهم ساز ویهوئلا بدست فراموشی سپرده شده بود. شهرت گیتار نیز ازاواخرقرن هفدهم روبه‌افول بود معهذا درقرن هیجدهم باز کم‌وبیش گیتار محبوبیت داشت وآثاری‌برای آن تصنیف شد. دراواخراین قرن نوازندگی گیتار درمحافل اشرافی‌مدروز گشت وآهنگساز این دوره «مانوئل‌گارسیا» تعداد سیم‌های‌آن‌را به هفت افزایش داد و بجای تکنیك آرپژ نوازی، ازتکنیك مضرابی استفاده کرد و گیتار را درمحافل سلطنتی معرفی و کمك زیادی به توسعه‌ی‌آن نمود.

---

۱ – Brunetti　　۲ – Boccherini

باوجودیکه هارپ نیز دراین‌قرن روبه انحطاط بود معهذا ما به نام هارپ نوازها و تعلیم دهندگان این ساز برمیخوریم و آثار زیاد ومتنوع مذهبی وغیرمذهبی که دراین‌قرن برای هارپ تنظیم شده هنوزموجوداست.

کلاوسن نیز دراین عصر اعتبار شایانی کسب کرد و نوازنده‌ای بنام «سباستیان آلبرتو» آثاری برای این‌ساز تصنیف کرد. «دومینکو اسکارلاتی» که با تصنیف اپرای فراوان مشهور شده بود کار اپرا را رها کرد و تمام وقت خودرا صرف نوازندگی کلاوسن و پیشرفت آن کرد. باین‌ترتیب تأثیر زیادی دراین زمینه از خود بجای گذارد. موسیقیدان اسپانیائی «آنتونیو سولر[1]» (۱۷۸۳ - ۱۷۲۹) دنباله‌کارهای اورا ادامه‌داد. نامبرده علاوه‌بر ۲۷ سونات برای کلاوسن تعدادی آثار مجلسی منجمله یك کوینتت برای کلاوسن وسازهای زهی تصنیف کرده است.

از آلات‌موسیقی بادی؛ کله‌رون - ترومپت وترمبون، ازلوازم‌ضروری نمازخانه‌ها و تشریفات عمومی بشمارمیرفت. رهبر نمازخانه‌کلیسای پالنسیا «آنتونیورودریگذ» آثار فراوانی برای این‌سازها تصنیف کرده است که‌از نظرتاریخی اهمیتی بسزا دارد.

موسیقی صحنه‌ای در این قرن دچار ترقی و تنزل‌های متوالی گردید ودرضمن بدعت‌هائی دراین‌فرم موسیقی نمود کرد. در۱۷۰۹ درقصرسلطنتی یك تئاتر بنام «آسیس و گالاتئا» اثر «آنتونیولیترس» بسروی صحنه آمد. نامبرده که‌موسیقیدان‌نمازخانهٔ سلطنتی‌بود یك اپرا نیز بنام«عناصر» دارد که شخصیت‌های آن هوا و آب و آتش وخاك میباشد.

درسال ۱۷۰۸ یك مؤسسهٔ ایتالیائی برای اجرای اپراهای ایتالیائی درمادرید مستقر شد. بعد ازآن یك مؤسسهٔ اپرائی دیگر تحت حمایت کنت آلبرونی شروع به فعالیت کرد. این دومؤسسه کمك زیادی به پیشرفت‌اپرا دراسپانیا کردند واین موضوع‌سبب شد که گروهی ازموسیقیدانان‌اسپانیائی از روش ایتالیائی‌ها درتصنیف اپرا تقلید کردند وآثاری بوجودآوردند.

چند تن از موسیقیدانان ایتالیائی که ساکن مادرید شده بودندآثار

---

۱ - A. Soler

خودرا دراین اپراخانه‌ها بمعرض اجرا میگذاشتند که دراین میان میتوان از «فاکو» و«کورسلی» و«کوردیانی» نام برد .

موسیقیدانان ملی نظیر « خوان سی‌سی » و « ماتئودولاروکا » نیز اپرا هائی تصنیف کردند که در سال ۱۷۳۵ توسط گروهی ازخوانندگان زن اجرا شد . بامرگ « دونیا ماریا دوبرگانتا » همسرشارل سوم اجرای هرگونه‌آثار اپرائی دردربار ممنوع گردید .

درسال ۱۷۸۷ تئاتر«لوس‌کانیوس» درهای‌خودرا بروی‌خوانندگان خارجی بازگذارد واین جریان تاسال ۱۸۰۰ ادامه داشت. اما دراین سال طبق فرمان‌شاهی‌اجرای‌آثاراپرائی‌بهرزبانی غیرازاسپانیائی‌ممنوع گردید. باین ترتیب آوازخوانان اسپانیائی که از۱۷۸۷ باموفقیت اجرای اپراهای ایتالیائی‌را بعهده گرفته‌بودند فرصتی بدست‌آوردند تا با همکاران‌ایتالیائی به رقابت بپردازند .

ثارثوئلادراین‌قرن هنوز حالت قهرمانی وداستانی خودرا حفظ کرده بود وتحت این عنوان هرنوع اثری اعم ازکمدی ـ اپرا ـ درام موزیکال‌را اجرا میکردند . لیبرتوی تعداد زیادی از این‌آثار باقی مانده اما متأسفانه پارتیسیون موسیقی اکثر آنها مفقود شده است . در جریان نیمه دوم قرن هجدهم‌شاعری‌بنام «رامون‌دولاکروز» لیبرتوهای‌زیادی برای‌ثارثوئلاهای اصیل برشته تحریر درآورد . بعلاوه نامبرده تعداد زیادی از اپراها را با استفاده از پارتیسیونهای موسیقیدانانی نظیر «پیچینی[۱]» و «پازیه‌لو[۳]» بصورت ثارثوئلا درآورد. وی باهمکاری «آنتونیوئیتا»[۲] ابتکاری جدیدنیز عرضه نمود وآن ساختن ثارثوئلاهای محلی بود . این ثارثوئلاها که برای نواحی مختلف اسپانیا تصنیف شده بود ، بزودی مقبول طبع عامه واقع‌شد وموسیقیدانانی فراوان از جمله «آنتونیو پالومینو» و«فابیان پاچه‌کو» با استفاده ازاین ابتکارآثار متعددی بوجودآوردند. «بوکرینی» و«برونتی» که ذکرشان رفت نیز چند ثارثوئلا تصنیف کرده‌اند. اما با مرگ«رامون دولاکروز» این فرم موسیقی اپرائی اسپانیائی روبه انحطاط رفت .

---

۱ – Piccini ۲ – Pasiello
۳ – A. Hita

«تونادیللا»[1] که فرم تئاتری مخصوص اسپانیاست توسط «آنتونیو گه‌ره‌رو»[2] دراین قرن ابداع شد. اما رواج آن‌را باید نتیجه همت «لوئیس میسون» وتکامل‌وتوسعه آن‌را مدیون زحمات «پابلواسته‌وه»[3] (متوفی بسال بسال ۱۷۹٤) دانست.

«تونادیللا» بین پرده های یك کمدی و یا درآخر آن اجرا میشد و شباهت زیادی با «اینترمتزو»های اپراهای ایتالیائی داشت، درابتدا اشعار آن جنبه‌فکاهی ویاهجوی‌داشت امابتدریج این‌لحن اشعارجدی‌ترشد. درتمام دوران جوانی این‌فرم‌جدید، موسیقی آن ازفولکلوراسپانیولی مایه میگرفت اما بعدها تحت نفوذ موسیقی ایتالیائی واقع شد. درابتدا این قطعات خیلی کوتاه بود، اما بتدریج وسعت یافته ومدت لازم برای اجرای آنها حتی به بیست دقیقه هم رسید. انواع مختلفی از «تونادیللا» وجود داشت. تعدادی فقط برای یك یادوخواننده تصنیف‌میشد وهر گاه تعدادخوانندگان ازچهار نفرتجاوز میکرد آنرا «تونادیللای‌عمومی» میخواندند. باید دانست که‌این قطعات تنهاآوازهای ساده یافقط‌مختص به زنان نبود بلکه‌این تونادیللاها یك نوع نمایش کوتاه بود که توسط خوانندگان و هنرپیشگان مختلف در فواصل‌پرده‌ها برای سر گرمی‌مردم اجرامیشد. ارکستری که این‌خوانندگان را همراهی میکرد درابتدا خیلی‌مختصر وشامل فلوت، ویولن وابوا بود که بنوبت ادای نقش میکردند اما بتدریج ترومپت، ویولن سل، کنترباس و بالاخره کلاوسن نیز به ارکستراضافه شد که سازاخیر اجرای قسمت باس‌را بعهده داشت.

نمایشات مذهبی نیز مانند قرن‌قبل تقریباً منحصر به اعیاد مذهبی‌بود اما در سال ۱۷٦۵ طبق فرمان شارل سوم اجرای این نمایشات ممنوع شد ودیگراین فرم احیاء نگردید.

درقرن هجدهم درموسیقی مذهبی اسپانیا پدیده‌ی تازه‌ای ظهور کرد وآن‌پیروزی ملودی ساده باآکومپایمان‌هارمونیك، کم‌شدن شدت کنترپوان

---

۱ – Tonadilla　　۲ – A. Guerero

۳ – P. Esteve

وپیشرفت موسیقی سازی بود. نفوذ موسیقی ایتالیائی گاهی بطورغیرمستقیم وگاهی بطورمستقیم احساس میشد. این تکامل تدریجی وبی‌وقفه درموسیقی مذهبی، سبب شد که‌تغییراتی درکادر نوازندگان کلیسای سلطنتی پیدا شود. بطوریکه‌درابتدای‌قرن،این‌مؤسسه فقط دونوازنده‌هارپ ویك‌نوازنده‌ارگ داشت ولی در اواسط قرن این سازها جای خودرا به سازهای زهی وبادی داده بودند. چنانکه ارکسترنمازخانه سلطنتی از ده ویولن، چهار ابوا، دوفاگوت، چهارآلتو ودوترومبون تشکیل میشد.

درمیان موسیقیدانان مذهبی باید بخصوص از «فرانسیسکو والس[1]» (متوفی بسال ۱۷۴۷) نام برد. وی مصنف تعدادی «مس» برای هشت‌صدا توأم باباس کونتینومیباشد. دریك‌مس‌بنام«میساآره‌تینا[2]» اوبرای اولین‌بار از یك‌آکورد نهم بدون مقدمه و زمینه استفاده کرد واین امر سبب جنجال زیادی میان موسیقیدانان شد وموافقین و مخالفین،کارشان به بحث کشید و عاقبت‌الامرهمگی موافقت کردند که نظر «الساندرو اسکارلاتی» را دراین باره بپذیرند اما پاسخ او نیز دوپهلوبود!

ویلانسیکو که میتوان بآن نام «کانتات اسپانیائی» داد در این قرن در صومعه‌های اسپانیا مد روز بود. این ویلانسیکوها را در مراسم مذهبی بخصوص مانند عیدنوئل وعید پاك اجرا میکردند. اشعار این ویلانسیکوها از قدیم بچاپ رسیده است اما با وجودیکه پارتیسیون موسیقی آنها بچاپ نرسیده نسخه‌های خطی آنها به تعداد زیاد هنوز موجود است.

نفوذموسیقی ایتالیائی دراین‌فرم بتدریج آشکارشد وبخصوص‌درطول مدت اجرای این‌آثار تأثیرزیاد نمود. بطوریکه ویلانسیکوها حاوی‌قطعات آوازی متعددی شدند که دربین‌آنها قطعات سازی فراوان بچشم میخورد.

«اوراتوریو» نیز در این دوره رایج بود و نام های مختلفی بخود گرفت. اشعار این اوراتوریو ها همگی برای استفاده‌ی مردم چاپ شده اما موسیقی آنها یا مفقود شده و یا فقط نسخه های خطی معدودی از آنها باقی مانده است.

---

۱ - F. Lalls ۲ - Missa Aretina

بطورخلاصه باید گفت که دراین‌قرن باروی کارآمدن سلسلهٔ‌فرانسوی بوربون ، راه برای ورود موسیقی و ادبیات فرانسه وایتالیا به اسپانیا باز شد واپرا وموسیقی مجلسی معمول گشت . موسیقی مجلسی با اینکه در نیمه اول قرن هجدهم هنوز درمراحل اولیه بود اما درنیمه دوم قرن، با استعانت موسیقیدانان بزرگ ایتالیائی که به اسپانیا میآمدند پیشرفتی سریع داشت.

با افتتاح دوتئاترایتالیائی‌درمادرید اپراهای ایتالیائی بمردم اسپانیا عرضه‌شد و موسیقیدانان اسپانیا تحت تأثیر این‌نفوذ، آثار اپرائی فراوانی تصنیف کردند . نمایشات مذهبی در این قرن منسوخ شد . و بجای آن از ویلانسیکوها که تحت‌تأثیرموسیقی ایتالیائی بسط وتوسعه یافته بود،استفاده میشد .

در این قرن گیتار وهارپ و ویهوئلا جای خود را به سازهای جدید زهی‌وبادی‌دادند واین‌موضوع‌خود کمك‌شایانی‌به‌پیشرفت‌موسیقی سازی‌تلقی میشود .

ترجمه و اقتباس دکتر فرخ شادان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی